

## من گرگ هستم!

شدم بین یک تا ۳سال زندان بودم.

**از ۱۱سالگی معتاد شدم؟**

برادرم مواد می‌کشید و من پنهانی موادش راکش می‌رفتم و مصرف می‌کردم.

**خانواده‌ات خیر داشتند؟**

نه فقط می‌دانستند برادرم معتاد شده است.

**شغل‌ت چیست؟**

من در کار فروش پرده هستم، حوالی تهران نسو در یک مغازه

پرده‌فروشی کار می‌کنم.

**درس هم خوانده‌ای؟**

دیپلم را گرفتم اما به خاطر اعتیادم نتوانستم درسم را ادامه بدهم.

درواقع هم معتاد بودم، هم کار می‌کردم و هم درس می‌خواندم.

هر چند دلم می‌خواست تا دکتری بخوانم. در زمینه خیاطی، طراحی

لباس بسیار این‌دین خانه چیزی که به شغلم مربوط باشد. دلم می‌خواست

یک فروشگاه بزرگ پرده‌فروشی و راه‌اندازی کنم اما خب به آرزویم

نرسیدم. مواد مخدر زندگی مرا تباه کرد.

**لقب خاصی هم داری؟**

آنها که مرا می‌شناسند می‌گویند شبیه گرگ هستی؛ گرگ سحرگاه!

چون چهره‌ام تا حدودی خشن است و به‌نظر خودم هم شبیه گرگ

هستم

**قبل از اینکه دستگیر شوی هم در پرده‌فروشی کار می‌کردی؟**

یک مغازه داشتیم که برای پدرم بود، اما ۲سال قبل آتش گرفت من

آن را بازسازی و تبدیل به پرده‌فروشی کردم. علاوه بر این در پیک

موتوری هم کار می‌کردم. بعد از آن اتفاق، منظورم ربودن همان

دختر خانم است، توبه کردم و دور خلاف را خط کشیدم تا اینکه

دستگیر شدم.

**در زندگیت، رفیق صمیمی هم داری؟**

نه. الان ندارم. قبلا داشتیم اما خیلی نصیحت می‌کردند. از نصیحت

خسته شده‌بودم.

**گفتی عاشق مادرت هستی. آن دختر هم خانواده‌ای دارد که**

**عاشقت هستنند. اگر کسی با ناموس خودت چنین کاری بکنند،**

**چمی می‌کنی؟**

(گریه می‌کند)، خیلی اشتباه کردم، خیلی. شاید مشکل روحی دارم

نمی‌دانم.

**بیشترین تفریح زندگیت چیست؟**

این است که در سایت‌های اینترنتی بچرخم و قمار کنم.

**می‌پردی یا می‌باختی؟**

ماجرای آدم‌ربایی چه بود؟

همان دختری که عاشقت بودم به‌خاطر تجاوز و شروع به آدم‌ربایی

از من شسکایت کرد. آخرین بار به همین جرم دستگیر و سال‌۹۹

آزاد شدم. قاضی اتهام تجاوز را نپذیرفت و فقط به زندان و شلاق

آما فیلم نشان می‌دهد که تو کاملاً حواست به محیط اطرافت

هست، به پیرمردی که می‌خواست مداخله کند، گفتی موضوع

خانوادگی است و حتی پلاک موتور را هم مخلدوش کرده

**بودی که شناسایی شوی؟**

اشتباه کردم، پشیمانم!

**وقتی به آن دختر حمله کردی، فقط همان پیرمرد آنجا بود؟**

بله. به سمت ما آمد و گفت چه کار می‌کنی. فریاد کشیدم و گفتم

موضوع خانوادگی است و او حق دخالت ندارد. دختر جوان هم که

قمه مرا دیده بود و وحشت کرد. بنده خدا مثل بید می‌آرزید. حتی به

من گفت پول، سسکه و طلا دارد و حاضر است کارت عابریان‌کش

رابه همراه رمزش به من بدهد اما قبول نکردم. چون من سارق

نیوادم. با تهدید قمه او را به پارکی در آن محدوده بردم. بدون توجه به

التماس هایش نقشه‌ام را عملی کردم و بعد او را رسوا م‌تورم کردم و

در حوالی میدان نوبنیاد اجازه دادم که برود.

**یادت هست که آن اتفاق چه روزی رخ داد؟**

فکر می‌کنم یکی از روزهای اسفند پار سال بود.

**در این مدت که فراری بودی چه کار می‌کردی؟**

تازه نامزد کرده بودم و می‌خواستم ازدواج کنم. دختری که به من

معرفی کرده‌اند برای ازدواج خیلی خوب است. به هیچ عنوان اهل

دروغ نیست، خیلی با من صادق است. می‌دانید من از دروغ بیزارم.

تنها نصیحتی که پدرم به من کرد و او یزه گوشم است این بود که

می‌گفت عمر دروغ ۴۰روز است. یعنی هر وقت دروغ گفتی بدان

که تا به چهلمین روز ترسیده‌باش و دستت رو می‌شود. به همین

دلیل من هیچ وقت دروغ نمی‌گویم و از دروغ بیزارم.

**گفتی که شاکری را شبیه به دختری دیدی که قبلاً عاشقت بودی،**

**آن دختر الان کجاست؟**

خبر ندارم. من یک زمانی دیوانه‌وار عاشقت بودم و می‌خواستم با او

ازدواج کنم اما نشد چون او به من خیانت کرد. همین شد که رابطه‌ام

رابا او بهم زد.

**پرونده‌ات نشان می‌دهد که سوابق متعددی داری؟**

درست است. ۱۹بار توسط پلیس دستگیر شده‌ام و ۹ مرتبه به زندان

رفته‌ام. سوابقم سرقت، زورگیری، حمل مواد و شروع به آدم‌ربایی

است.

گروه حوادث – مرد شبیه که با همدستی دو همسرش، ۳زن را فریب و آزار داده بود، در دادگاه

کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

چندی قبل دختری از اتباع بیگانه به نام سحر با مراجعه به پلیس آگاهی گفت: از آنجایی که گذرنامه

نداشتم مدتی بود که به دنبال شخصی می‌گشتم تا بتواند برایم گذرنامه بگیرد؛ تا اینکه با رحمان

که او نیز از اتباع بود و دو همسرش که در همسایگی ما زندگی می‌کردند آشنا شدم. آنها به من

وعده دادند که می‌توانند در اسرع وقت برایم گذرنامه‌های معتبر تهیه کنند تا هر وقت می‌خواهم به

کشورم بروم و دوباره به ایران برگردم. بعد از چند روز که آنها اعتمادم را جلب کرده بودند برای

پیگیری کارم به خانه‌شان رفتم اما رحمان من را آزار داد و همسرانش هم از من فیلم گرفتند و

تهدیدم کردند که اگر به کسی حرفی بزنم فیلمم را پخش می‌کنند. خیلی ترسیدم اما بعد از آن

تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس بگویم.

پس از اظهارات سحر مأموران رحمان ۳۵ساله را بازداشت کردند اما او منکر آزار شاکلی شد.

در ادامه تحقیقات دو زن دیگر به نام‌های مریم و بهاره که از بستگان رحمان بودند نیز وقتی متوجه

بازداشت او شدند با مراجعه به پلیس آگاهی شکایات‌های مشابهی را مطرح کردند.

## فریب زنان

## توسط

## یک مرد

## و ۲ همسرش



اغلبی می‌باختم.

**پولش را چطور تهیه می‌کردی؟**

باموتورم کار می‌کردم، همانطور که گفتم در کار فروش پرده هم بودم.

**چند وقت است قمار می‌کنی؟**

حدود ۶ماه می‌شود که به‌شدت معتاد به بازی‌های اینترنتی،

شرط‌بندی و قمار شده‌ام. اما خب من خیلی آدم خوش‌شانسی در

زندگی ام نبودم و نیستم. همیشه به امید برد بازی می‌کرد ولی دست

آخر می‌باختم. انگار روی تردمیل هستم؛ زندگی‌ام به همین شکل

است. هر چه می‌دوم به جایی نمی‌رسم. درحالی که دلم می‌خواست

یک دیزاینر معروف می‌بودم و برای خودم برو و بیایی داشتم اما یک

تبهکار معتادم باکلی سابقه.

**اگر زمان به عقب برمی‌گشت، این کارها را باز هم تکرار می‌کردی؟**

نه اصلاً. ای کاش می‌شد زمان به عقب برمی‌گشت و من دوباره از نو

شروع می‌کردم. این بار صفحه‌زندگی ام شفاف می‌شد؛ به هیچ عنوان

لب و با وجود نمی‌زدم حتی اگر بخواهم از روی کنج‌کاوای امتحانش

کنم. با وجود مشکلات فراوانی که داشتم درس را ادامه می‌دادم. از

صبح تا شب کارگری می‌کردم تا زندگی خوبی برای خودم دست‌وپا

کنم. از دواج می‌کردم و خانواده تشکیل می‌دادم اما خب حالا اینجا

هستیم و در این لحظه حاضرم تو به‌نامه بنویسم که اگر آزاد شوم

درست زندگی خواهم کرد. این بیستمین باری است که دستگیر

می‌شوم و قول می‌دهم که پرونده‌ام همین جا مختومه شود و دیگر

کار خلافی مرتکب نشوم.

جایی هوش شدم وقتی به هوش آمدم دیدم رحمان و دو همسرش بالای سرم ایستاده‌اند. و از من

می‌خواهند که لباس هایم را بپوشم. رحمان نامو بایش فیلمی که از تعرض به من گرفته شده

بود را نشانم داد و تهدیدم کرد که نباید به کسی حرفی بزنم. از آنجایی که می‌دانستم او می‌خواهد با

این فیلم از من سوءاستفاده کند موضوع را به پلیس گفتم. حالا هم برای او درخواست حکم اعدام

و برای دو همسرش اشد مجازات را خواهم.

سپس رحمان به جایگاه رفت و گفت: من اتهام آزار و اذیت را قبول ندارم. سحر با میل خودش به

خانه‌ام آمد و پس از آنکه صیغه‌مهریت خواندیم با من ارتباط برقرار کرد. حالا هم با دروغ‌گوگی

از من شکایت کرده است.

در این میان سحر ضمن اعتراض به اظهارات رحمان گفت: من نامزد داشتم که رحمان من را آزار

داد و حالا هم به دروغ عنوان می‌کند که من صیغه او شده‌بودم.

پس از آن دو همسر رحمان به اتهام معاونت در فساد در جایگاه ویژه ایستادند و گفتند: ما اتهام‌هام

را قبول نداریم هر ۳شاکلی پرونده، همسران صیغه‌ای رحمان بوده‌اند.

در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

## نیازمندی‌ها

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: [www.eghtesad-kish.ir](http://www.eghtesad-kish.ir)

## نیازمندی‌های روزانه جزیره کیش

	<b>خرید و فروش</b>		<b>حمل بار</b>
	<b>مفقودی</b>		<b>مصلح ساختمانی</b>
	اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۱۰۹۰۳/۰۱ به نام فریبا کنجوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.		<b>مصلح ساختمانی</b> فروش انواع مصالح ساختمانی به قیمت عمده ۰۹۳۴۷۶۸۱۶۰۷ – ۰۹۳۵۶۲۹۴۲۶۲ فتاحی
	اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۶۷۷۳/۰۱ به نام سیده اکرم تهوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.		<b>خدمات</b>
	<b>اقتصاد کیش</b> ۴۴۴۲۴۹۹۹ با یک تماسی مشترک شهروند		<b>خدمات برق</b> انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما – کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸
	<b>خیاطی</b>		<b>تعمیرات کولر</b>
	<b>خیاطی حبیبی</b> بازار پانیز – طبقه اول – غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸		<b>تعمیرات کولر – اسپیلت</b> ۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸ جاسم کریمی فوری – مطمئن
	<b>لوازم یدکی</b>		<b>استخدام فروشنده</b> جهت غرفه در ترمینال فرودگاه کیش تلفن تماس: ۰۹۳۳۷۶۹۵۱۹۳
	<b>تهیه لوازم یدکی خودرو</b> شما در سریعترین زمان		<b>استخدام منشی عصر ساکن کیش</b> یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب
	۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸ جعفری		<b>استخدام نیروی خدماتی</b> یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.

# صنایع چوب

کلید سفارشات  
MDF، چوبی  
دکوراسیون غرفه و منزل  
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲